

آمریکا حداقل در سالیان اخیر سعی کرده با ایجاد جنگ روانی، فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را در افکار عمومی دنیا طوری منکس کند که گویی ایران در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای است و صلح و امنیت جهانی را تهدید می‌کند. ساکنان کاخ سفید با این تصویرسازی تاکنون کوشیده‌اند مشکلات بسیاری را در عرصه بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایجاد کنند.

در سال‌های اخیر، حجم انبوه ادبیات تولیدشده ضدجمهوری اسلامی- بویژه در حوزه انرژی هسته‌ای- به‌گونه‌ای بوده که بسیاری از مردم حتی کارشناسان مسائل سیاسی بر این گمانند که مشکل آمریکا و دنیای غرب با ایران تنها به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی بازمی‌گردد. این در حالی است که نگاهی مبنایی به ایدئولوژی حاکم بر دستگاه سیاست خارجی آمریکا نشان می‌دهد که خصومت‌ورزی واشنگتن با تهران ریشه‌هایی عمیق‌تر از بهانه‌های طرح‌شده در گفتمان ایران‌سنیزی اندیشمندان غربی دارد.

از همین رو است که حتی پس از توافق ایران و کشورهای ۵+۱ برای پیشبرد «برنامه اقدام مشترک»، ری تکیه که کارشناس شورای روابط خارجی آمریکا در امور ایران است، طی یادداشتی در روزنامه واشنگتن پست با اشاره به این نکته که هسته اصلی اختلاف آمریکا با ایران ایدئولوژیکی است، تصریح کرده که سیاست کنترل تسلیحات برای مهار ایران کافی نیست.

سخنان ری تکیه مؤید این واقعیت است که در مواجهه با جمهوری اسلامی، تفاوت چندانی میان تحلیلگران به‌اصطلاح لیبرال شورای روابط خارجی آمریکا و جریان نومحافظه‌کار در مؤسسه امریکن اینترپرایز وجود ندارد، زیرا شخص جنگ‌طلبی همچون مایکل لدین نیز معتقد است که در برخورد با ایران، «مسأله، خود نظام ایران است و نه ابزارهایی که این حکومت از آنها استفاده می‌کند.» مایکل لدین نه‌تنها مخالف موضوعات راهبردی جمهوری اسلامی و از جمله قابلیت‌های هسته‌ای ایران است، بر این موضوع نیز تاکید دارد که مقابله با ایران باید از طریق براندازی ساختار سیاسی انجام پذیرد. رویکرد مایکل لدین را می‌توان براساس سیاست مقابله و براندازی ساختاری جمهوری اسلامی ایران دانست. نامبرده بر این اعتقاد است که «تمام مشکلات آمریکا از این رژیم است. اگر رژیم ایران را تغییر دهیم، مشکل هسته‌ای قابل مدیریت می‌شود.»

- هویتی بر پایه دشمن‌سازی**

پایان جنگ سرد یکی از تحولات محوری در ۲ دهه آخر قرن بیستم بود که سیاست و روابط بین‌الملل را دگرگون کرد. فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی منجر به آن شد که نظم دوقطبی تعریف‌شده برای نظام بین‌الملل عملاً معنی خود را از دست داد و جهان شاهد شکل‌گیری فرآیندهای آنارشیک و ضدنظمی شد که قدرت‌های به‌جامانده از دوران جنگ سرد را دچار بحران می‌ساخت. از جمله این فرآیندها می‌توان به سه مورد زیر اشاره کرد:

الف) فرآیند استقلال‌طلبی و طرح هویت‌هایی که مایل به تبعیت محض از قدرت‌های مسلط نیستند؛ در این باره از بین رفتن فشار ناشی از اردوگاه کمونیستی نیز مؤید خوبی برای آنها جهت گام‌گازدن در این راه بوده است.

ب) فرآیند واگراییی در اردوگاه غرب که دلیل عمده‌اش از بین رفتن تهدید اصلی برای لیبرالیسم بود. نبود این تهدید منجر شده‌بازیرگان همراه ایالات متحده آمریکا در همراهی کامل خود با سیاست‌های



داستان یک تقابل تاریخی

مسأله غرب با ایران چیست؟

- علیرضا خواوه*

معرفت‌شناسی غرب

موقفیت‌الگوی مردمسالاری دینی در جمهوری اسلامی که مبنای مشروعیت را قوانین اسلامی در نظر گرفته است، چالشی جدی برای جهان‌بینی و معرفت‌شناسی غربی به حساب می‌آید.
دانیل پایپس، رئیس سابق انستیتو پژوهش‌های سیاست خارجی آمریکا و عضو ارشد شورای امنیت ملی آمریکا معتقد است: «همروز مسلمانان به ایران نگاه می‌کنند و از آن الگوبرداری می‌کنند. اگر این تجربه موفق شود، جسارت مسلمانان کشورهای دیگر بیشتر خواهد شد و این برای ما قابل تحمل نیست.»

واقعیت این است که غرب پس از رنسانس، سعادت را در نفی خاوندان از زندگی اجتماعی و عدم حاکمیت قوانین الهی منبعث از وحی در قوانین جماهیر شوروی باشد. در این ارتباط نظریه «پایان تاریخ» و «برخورد تمدن‌ها» را مطرح کردند که غایت هر دوی آنها معرفی فرهنگ و تمدن اسلامی به عنوان دشمن نظم بین‌المللی است.

نیاز به دشمن‌سازی تنها برآمده از یک خلأ مفهومی در فضای بین‌الملل نبود، در لایه‌های عمیق‌تر نظام سیاسی آمریکا «هویت ملی» این کشور نیز در معرض تهدید قرار گرفته بود؛ هویت ملی‌ای که به اعتقاد هانتینگتون، بر مبنای تقابل با دشمنانی شکل گرفته که آمریکایی‌ها در طول تاریخ با آنها جنگیده‌اند. به نظر هانتینگتون، فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و عدم شکل‌گیری دشمن جدید برای آمریکا در تضعیف اقبال آمریکایی‌ها به هویتشان و اتحاد در سایه آن نقش جدی داشته است. از همین رو بود که وی برای شکل‌دهی و محوریت مجدد هویت آمریکایی، اسلام و نظام‌های اسلامی را به عنوان دشمن جدید آمریکا معرفی کرد.

- جمهوری اسلامی؛ چالشی برای**

وجود دارد. به بیان دیگر، آمریکایی‌ها به منظور حفظ تسلط سیستمیک خود کمتر به انگارهای رفتاری دیگر بازیگران توجه دارند و با مسد نظر قراردادن تجارب تاریخی و فروپاشی قدرت‌های بزرگ، عملاً با ذهنیت فلسفی و نظری، روابط آینده ایران و آمریکا را مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌دهند. ریچارد پرل، مشاور سابق پنتاگون و طراح اصلی حمله آمریکا به عراق می‌گوید: به نظر من، حکومت فعلی ایران نه می‌تواند خود را اصلاح کند و نه می‌خواهد که اصلاح شود. تنها «تغییر رژیم» است که می‌تواند متضمن نه‌تنها دموکراسی که احیای حقوق فردی باشد.

ماتیو مکینس، عضو پیشین پنتاگون استراتژی سیاست خارجی ایران را اینگونه توصیف کرده است: «استراتژی قدرت نظامی ایران، از جمله پیگیری توانایی سلاح اتمی امری فرعی است؛ اصل، تلاش‌های ایدئولوژیک آنهاست.» فرانک جی. گافنی، رئیس مرکز سیاست امنیتی طی مقاله‌ای در روزنامه واشنگتن پست می‌گوید: «ایران از زمان انقلاب ۱۹۷۹ تاکنون با کشور ما در حال جنگ بوده است.» او توصیه می‌کند که آمریکا باید همه امکانات خود را برای بی‌ثبات‌کردن ایران و در نهایت تغییر حکومت ایران به کار گیرد. این اقدامات شامل مواردی است همچون تحریم‌هایی که از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت و گاز ایران جلوگیری کند، پایین آوردن قیمت نفت، کمک‌کردن به مردم ایران برای سرنگونی حکومت ایران با استفاده از همه شیوه‌های آشکار و پنهان و محفوظداشتن گزینه حمله نظامی به منزله راهبردی قابل استفاده، از نظر گافنی: «ما آمریکایی‌ها! نباید دچار تخیلات باشیم.» توماس دانلی نیز که برای هفته‌نامه «ستاندارد» می‌نویسد، توضیح می‌دهد که ما مشکل ایران را کاملاً اشتباه متوجه شده‌ایم. نیاز است که «ماهیت این تضاد را متوجه شویم.» او ادامه می‌دهد: «ما روی برنامه هسته‌ای ایران متمرکز شده‌ایم، در حالی که حکومت ایران به‌دنبال هدف واقعی است؛ یعنی تعادل قدرت در خلیج‌فارس و فراتر از آن یعنی خاورمیانه.» مایکل آیزنشتات، مدیر برنامه مطالعات نظامی و امنیتی مؤسسه واشنگتن در مقاله منتشرشده در پایگاه اطلاع‌رسانی این اندیشکده آمریکایی، پس از امضای برنامه اقدام مشترک می‌نویسد: «این تصمیم باید به تغییرات عمده در رفتار ایران در خارج مشروط شود تا زمانی که ایران دست از حمایت از برخی گروه‌ها برداشته، سیاست بین‌المللی باید بر اصل کاهش تحریم‌ها در برابر کاهش زیرساخت هسته‌ای ایران مبتنی باشد.» خلاصه این اظهارنظرها را شاید بتوان در این جملات هنری پرکت، مسؤول پیشین میز ایران در وزارت خارجه آمریکا جمع‌بندی کرد که می‌گوید: «بیباید فرض کنیم ایرانیان بگویند ما اشتباه کردیم و نیروگاه اتمی نمی‌خواهیم. این بسیار گران و مشکل است و ما میدانیم جدید نفتی کشف کرده‌ایم و اصلاً احتیاجی به انرژی اتمی نداریم. ما این پروژه را فعلاً کنار می‌گذاریم. من به شما اطمینان می‌دهم که در آن صورت دستور کار این می‌شود که بله! ایران از تروریسم حمایت می‌کند. ایران با صلح اعراب و اسرائیل مخالفت می‌کند. ایران حقوق بشر را نقض می‌کند.» وی می‌افزاید: «عده‌ای هستند که اساساً ضد ایران هستند. این واقعیت است. مسأله ایست هم‌اکنون مهم‌ترین و مناسب‌ترین موضوع است اما بدون آن، مسأله دیگری مطرح خواهد شد، زیرا هدف اصلی، تغییر رژیم ایران است و مادامی که حکومت اسلامی ایران از خاورمیانه محو نشود، آنها راضی نخواهند بود.»

مسیحی و اسلامی در برخورد با رابطه میان دولت و دین دارای دو نگاه ماهیتا متفاوت هستند؛ اسلام دولت خود را نماینده خدا روی زمین می‌داند، حال آنکه مسیحیت قلمروی کلیسا را از دایره نفوذ دولت جدا می‌کند. وی در کتاب دیرگش «اسلام و غرب»، اسلام و بویژه ایران را دشمن غرب معرفی می‌کند و معتقد است: «نچه مسلمانان می‌فهمند، فقط زبان زور است.» باری بوزان در جولای ۱۹۹۱ و به دنبال فروپاشی بلوک غرب، در مقاله‌ای سعی کرد تصویر الگوی جدید روابط امنیتی جهان را ترسیم کند که پس از نقل و انتقالات بزرگ سال‌های ۱۹۸۹–۱۹۹۰ ظاهر شده بود. بوزان در این مقاله از «برخورد هویت‌های تمدنی رقیب» یاد می‌کند که او آن را «صریح‌ترین رابطه بین غرب و اسلام» می‌بیند: «این موضوع، بخشی به خاطر تقابل ارزش‌های مذهبی و سکولار، بخشی به خاطر رقابت تاریخی بین اسلام و مسیحیت، بخشی به خاطر حسادت قدرت غربی و بخشی هم به سبب تلخی و تحقیر ناشی از مقایسه منزجرکننده بین دستاوردهای تمدن غرب و تمدن اسلامی در طول دو قرن است.» این نوع نگاه باری بوزان و لوئیس بود که دکترین جنگ تمدن‌ها را در ذهن هانتینگتون مفصل‌بندی کرد. ساموئل هانتینگتون معتقد بود: «پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ در ایران می‌تواند به عنوان نقطه آغاز جنگ پنهان تمدن‌های غرب و اسلام در نظر گرفته شود.»

- حد توقف غرب کجاست؟**

برخلاف آنچه که تصور می‌شود، رفتار غرب بویژه آمریکایی‌ها در قبال جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر کنش‌های ایرانی نیست و از یک استراتژی ثابت بهره می‌گیرد؛ هرچند که در حوزه روشنی میان دموکرات‌ها و جمهوریخواهان، لیبرال‌ها و محافظه‌کاران، اروپاییان و آمریکایی‌ها اختلاف‌نظر



خود به‌عنوان یک تمدن از هر گونه گسترش شکاف در امت اسلامی استقبال خواهد کرد. بنا به شواهد و قرائن متقن، اصل معروف «تفرقه بینداز و حکومت کن» مورد تاکید بریتانیای جهانخوار بیش از هر جا است. با این حال باید این امکان را مدنظر داشته باشیم که اگر روزی پروولنترای جهان (مستضعفان) بر ضد سلطه غرب به شورش برخیزند و خواستار یک رهبر ضدغربی شوند، این خفته بیدار خواهد شد. بانگ این شورش ممکن است در برانگیختن روح نظامی اسلامی اثر محاسبه‌ناپذیری داشته باشد. اگر وضع به همین منوال پیش رود، اسلام بار دیگر برای ایفای نقش تاریخی خود قیام خواهد کرد.» هرچند این پیش‌بینی ۴۰ سال قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته بود لکن بدون تردید با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، رخت عنایت بر تن کرده است. همانگونه که پیداست، غرب در معنای کلی

خود به‌عنوان یک تمدن از هر گونه گسترش شکاف در امت اسلامی استقبال خواهد کرد. بنا به شواهد و قرائن متقن، اصل معروف «تفرقه بینداز و حکومت کن» مورد تاکید بریتانیای جهانخوار بیش از هر جا است. با این حال باید این امکان را مدنظر داشته باشیم که اگر روزی پروولنترای جهان (مستضعفان) بر ضد سلطه غرب به شورش برخیزند و خواستار یک رهبر ضدغربی شوند، این خفته بیدار خواهد شد. بانگ این شورش ممکن است در برانگیختن روح نظامی اسلامی اثر محاسبه‌ناپذیری داشته باشد. اگر وضع به همین منوال پیش رود، اسلام بار دیگر برای ایفای نقش تاریخی خود قیام خواهد کرد.» هرچند این پیش‌بینی ۴۰ سال قبل از وقوع انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته بود لکن بدون تردید با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، رخت عنایت بر تن کرده است. همانگونه که پیداست، غرب در معنای کلی

خود به‌عنوان یک تمدن از هر گونه گسترش شکاف در امت اسلامی استقبال خواهد کرد. بنا به شواهد و قرائن متقن، اصل معروف «تفرقه بینداز و حکومت کن» مورد تاکید بریتانیای جهانخوار بیش از هر چیز به آرمان امت واحده اسلامی لطمه وارد خواهد کرد. بی‌دلیل نیست که هم‌زمان با آغاز این موج، «الستی نامرئی» به هدایت آن پرداخته و

سه‌شنبه اول اردیبهشت ۱۳۹۴

تقویم تاریخ

در گذشت «ملک الشعرا ی بهار» ادیب و سیاستمدار (۱۳۳۰ ش)



استاد محمدتقی بهار پسر ملکشعرا محمدکاظم صبوری در سال ۱۲۶۶ ش در مشهد به دنیا آمد. از ۷ سالگی به سرودن شعر روی آورد و در ۱۸ سالگی از مظفرالدین‌شاه لقب ملک‌الشعرایی گرفت.وی از محضر ادیب‌نیشابوری استفاده برد و به‌رغم منع پدر از سرودن شعر، به دلیل علاقه و استعداد ذاتی، به این هنر گرایید. بهار بعدها به خدمت دولت درآمد و پس از مدتی اشتغال در مناصب دولتی، در سلک آزادیخواهان و مشروطه‌طلبان جای گرفت. بهار فعالیت‌های سیاسی خود را از آغاز نهضت مشروطه آغاز کرد و در این راه متحمل رنج زندان و تبعید و آوارگی شد. از لحاظ ادبی اهمیت شعر بهار بیشتر از آن جهت است که او زبان فصیح پیشینیان را به بهترین و دل‌انگیزترین صورت در سخن خود به کار برده‌است. تصحیح و حاشیه‌نویسیسیستان و مجمل‌التواریخ و تألیف سبک‌شناسی نثر فارسی و دیوان اشعار و چند نوشتار سیاسی از جمله آثار اوست. استاد محمدتقی بهار سرانجام در اول اردیبهشت ۱۳۳۰ ش در ۶۴ سالگی پس از ابتلا به مرض سل درگذشت.

■ ■ ■

روز بزرگداشت شیخ اجل

«مصلح‌الدین سعدی شیرازی»

شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی در حدود سال ۶۰۶ ق در میان خاندانی از عالمان دین در شیراز ولادت یافت. وی در اوان جوانی برای تحصیل علوم ادبی و دینی راهی نطنزیه بغداد شد و سپس به عراق و شام و حجاز سفر کرد. سعدی در اواسط قرن هفتم به شیراز بازگشت و منظومه حکمی بوستان را در سال ۶۵۵ ق و گلستان را در مواضع و حکم به نثر مسجع و آمیخته با قطعات اشعار دل‌انگیز در سال ۶۵۶ ق نگاشت. وی از آن پس، قسمت عمده عمر خود را در زادگاه خود گذراند تا اینکه در سال ۶۹۱ ق در ۸۵ سالگی در گذشت و در خانقاه خود به خاک سپرده شد. در سخن سعدی، غزل عاشقانه آخرین حد لطافت و زیبایی را درک کرده و لطیف‌ترین معانی در ساده‌ترین، فصیح‌ترین و کامل‌ترین الفاظ آمده است. سعدی در حکمت و موعظه و ایراد حکم و امثال از هر شاعر پارسی‌گوی موفق‌تر است و نثر مزین و آراسته و شیرین و جذاب او در گلستان، بهترین نمونه نثرهای فصیح فارسی است. در جمهوری اسلامی ایران، اول اردیبهشت به‌عنوان روز سعدی نامگذاری شده است که همه ساله در مراسم‌های ویژه گرامی داشته می‌شود.

■ ■ ■

در گذشت علامه اقبال لاهوری

متفکر بر جسته پاکستانی (۱۹۳۸م)



علامه محمد اقبال لاهوری شاعر، سیاستمدار و متفکر برجسته پاکستانی در نهم نوامبر ۱۸۷۲م در ایالت پنجاب پاکستان و در یک خانواده مسلمان و معتقد به‌دنیا آمد. اقبال پس از طی تحصیلات مقدماتی راهی لاهور شد و در آنجا به فراگیری فلسفه و علوم انسانی پرداخت. ذوق لطیف و طبع روان اقبال، در اثرنظم‌های اسلامی و ادبی که به اهل دانش مجال اظهارنظر می‌داد شکوفا شد و از آن پس، به سرودن اشعار فارسی علاقه‌مند شد. اقبال در سال ۱۹۰۵م به تشویق اساتید خود به لندن رفت و در انگلستان و آلمان به تحصیل ادامه داد. وی همچنین در آنجا به مطالعات گسترده درباره تاریخ ادبیات ایران و متون اصیل فارسی و عربی همت گماشت و با وقوف به رموز ادبیات و عرفان ایرانی، در زبان فارسی به کمال رسید. اقبال لاهوری پس از بازگشت از اروپا به‌سرعت در زمره پیشروان شبهقاره هند و در شمار بنیان تأسیس کشور مستقل پاکستان قرار گرفت. اقبال، بسیاری از اشعارش را در خدمت اهداف سیاسی خود قرار داده بود تا مطالب و مقصود خود را عرضه کند. در واقع، هدف اقبال اتحاد دنیای اسلام بود و برای بشریت، پیام محبت به‌همراه داشت. آثار اقبال در مجموعه‌هایی به‌نام «پیام مشرق»، «سرار خودی و رموز بی‌خودی»، «ارمان حجاز»، «جاویدنامه» و… مکرراً به چاپ رسیده است. علامه محمد اقبال لاهوری، سرانجام در تاریخ بیست‌ویکم آوریل سال ۱۹۳۸ میلادی در سن ۶۶ سالگی درگذشت.